



جمال شورهچ (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



پسران ابوغریب

کلیشه‌سربازان مظلوم آمریکایی

در مورد جنگ‌های چند دهه اخیر آمریکا در خاورمیانه، هالیوود تا بحال ساخته‌های بیشماری تولید کرده است و در بیشتر این ساخته‌ها سعی شده از نگاه سیاستمداران، سربازان و خانواده‌های آنها به ماجرا نگاه شود ولی اگر بخواهیم ساخته‌های مربوط به جنگ عراق و آمریکا را بررسی کنیم، تولیدات مربوط به زندان ابوغریب به خاطر حساسیت جهانی و رسوایی‌های پیرامونش، از اهمیت بالاتری برخوردار است.

ماجرای این رسوایی در سال ۲۰۰۴ اتفاق می‌افتد:زمانی که مجموعه‌ای از تصاویر شکنجه‌های وحشتناک زندانیانان آمریکایی زندان ابوغریب بغداد، روی اینترنت قرار می‌گیرد و به سرعت پخش می‌شود، تقریباً تمام رسانه‌های روز این عکس‌ها را پوشش می‌دهند. انتشار این تصاویر، به شدت به وجهه سیاسی و حقوق بشری ایالات متحده آمریکا در جهان، لطمه وارد می‌کند و باعث می‌شود که سربازان آمریکایی نه تنها در دیگر کشورها که در خود ایالات متحده نیز منغور شوند. در مورد این رسوایی هم تا بحال فیلم‌های زیادی ساخته شده است و فیلم «پسران ابوغریب» به کارگردانی، نویسندگی و بازی «لوک مورن» محصول سال ۲۰۱۴ نیز درباره همین ماجراست.

سفر به عراق

ماجرای فیلم «پسران ابوغریب»، درباره یک سرباز آمریکایی به نام «جک فارمر» است که داوطلبانه به ارتش می‌پیوندد و به عراق اعزام می‌شود. در این سفر که ابتدا برای جک، حکم بزرگ‌ترین ماجراجویی عمرش را دارد، او بعد از مدتی داوطلبانه به بخش خطرناک زندان ابوغریب وارد می‌شود تا به اصطلاح، با تروریست‌های بیرحم روبرو شود... در این بین، جک با زندانی به نام «قاضی محمود» آشنا می‌شود که در انگلستان مهندسی خوانده و به قول خودش تنها به دلیل عرب و مهندس بودن، به زندان افتاده است.

بعد از مدت کوتاهی مصمیمت جک با این زندانی به قدری زیاد می‌شود که جک به خاطر فشاری که به خاطر شکنجه او متحمل می‌شود، دست به اعمال غیر انسانی زیادی می‌زند!



به بهانه خدمت به کشور

مخاطب در فیلم «پسران ابوغریب»، از همان ابتدا با پسری از خانواده متوسط رو به بالای جامعه آشنا می‌شوند که از قضا زندگی بسیار بی‌نقص و آرامی دارد و در کنار خانواده‌اش، روزگار خوبی را می‌گذراند.

این تصویر کلاسیک از خانواده‌های شاد و آرام آمریکایی که در قاب پارتی‌ها و دورهمی‌های پُرو نیمخان، از بودن در کنار هم لذت می‌برند، از همان ابتدای ماجرا باعث پس خوردن دلسنان از نگاه مخاطبین می‌شود، بخصوص که ببینندگان قرار است در سال ۲۰۱۵ این فیلم را ببینند و در این سال‌ها عملاً کود اقتصادی و مشکلات خانواده‌های آمریکایی به قدری زیاد است که دیگر هیچ کششی برای این قاب‌های لوکس و تجملاتی باقی نمی‌گذارد. از طرف دیگر، طبق روند داستان، مخاطبین قرار است دلائل به حال این سرباز بیگنا و شکنجه گر بسوزد، به خاطر همین مسئله هم با این تصاویر پر طمطراق، این هدف عملاً از همان ابتدای ماجرا شکست می‌خورد.

در ادامه داستان مخاطبین می‌بینند که جک، به عنوان کسی که نه به خاطر پول و موقعیت، که به خاطر اهدافی مانند شعارهای ابرقهرمانان کمیک بوکی آمریکایی مانند تینا دنج، وارد ارتش شده، با اینکه هیچ تعلیم خاصی ندیده و انسان بسیار دل نازکی هم هست، وارد بخشی از زندان ابوغریب می‌شود که در آن بزرگ‌ترین جنایات جنگی اتفاق می‌افتد.

زنان اینجاست که جک به عنوان پسری رمانتیک و بسیار عاطفی معرفی می‌شود ولی همین پسر با دیدن شکنجه‌های وحشتناک زندانیانی که به گفته خودش هیچ شباهتی به تروریست‌ها ندارند، عکس‌العملی بسیار آرام و بی تفاوتی نشان می‌دهد و این نکته شخصیت‌پردازی جک را بسیار غیر طبیعی می‌کند.

روند داستان فیلم «پسران ابوغریب» بسیار کند پیش می‌رود، به خاطر همین هم عملاً ۴۰ دقیقه ابتدایی داستان، صرف آشنایی بسیار سطحی با زندگی سربازان آمریکایی در ابوغریب و زندگی شخصی جک می‌شود و بعد از این معرفی طولانی، وقتی یکی از زندانیان که از قضا در انگلستان درس خوانده، هموطن خودش را به جک لو می‌دهد، داستان واقعی تازه شروع می‌شود.

این زندانی که خود را قاضی محمود معرفی می‌کند، می‌تواند اعتماد جک را به خود جلب کند و داستان طوری جلو می‌رود که دوستی عمیقی بین جک و این زندانی درس خوانده انگلستان که گویی تنها فرد متممن در بین آن عرب‌های وحشی است، به وجود می‌آید و در ادامه هم جک به خاطر ناراحتی از شکنجه قاضی، آن رفتارهای غیر انسانی را با دیگر زندانیان می‌کند!

این تصویر سرترا پا دروغ و غلوآمیز، به قدری غیر واقعی در فیلم به تصویر کشیده می‌شود که مخاطب می‌ماند، اگر ارتش‌های و سربازان آمریکایی این قدر دل‌رحم و عاطفی هستند، آن زندانی‌رستانی که با خونسردی تمام، با روی گردن رنگین بوستان و دیگر ملیت‌ها می‌گازند و تا گرفتن جانشان هم خم به ابرو نبرند، از کجا آمده‌اند!

قربانیان معصوم در جنگ رسانه‌ها!

در صحنه‌های ابتدایی فیلم «پسران ابوغریب»، از ابوغریب به عنوان بزرگ‌ترین زندان نگهداری دشمنان ایالات متحده نام برده می‌شود، برای مخاطبین خاورمیانه، ابوغریب زندان مخوفی است که از زمان صدام محل شکنجه و قتل شیعیان و مخالفین ایرانی دیکتاتور بوده و بعد از آن هم تنها با عوض شدن ملیت ظاه، این ظلم در حق مردم بیگناه ادامه پیدا کرده است.

البته برای مخاطبین غربی هم با توجه به تمام اتفاقاتی که در دو دهه اخیر افتاد، دیگر حنای تروریست‌های ملعون، کم قضا نبود! آمریکا را دارند، رنگی ندارند، به خاطر همین هم تبلیغ‌های گل درشت فیلم برای احیای شعارهای قدیمی و پندآمیز میهن‌پرستانه، از همان ابتدای ماجرا نجسب و تاریخ مصرف گذشته به نظر می‌رسد.

از طرف دیگر ماجرا، تکیه فیلم روی بی‌گناه نشان دادن سربازان جنایت کار زندان ابوغریب، کاملاً مصنوعی به نظر می‌رسد. مخصوصاً نشان دادن روزشمار حضور این سربازان در این زندان مخوف، طوری به تصویر کشیده می‌شود که گویی قرار است مخاطب پیش خودش فکر کند، این سربازان به خاطر مدت زمان کوتاهی که آن‌هم به به اختیار که به خاطر اجرای دستورات مافوق شان، در این زندان جنایت کرده‌اند، حالا باید تا آخر عمر بار سنگینی را تحمل کنند که خب این بی‌انصافی است!

فیلم در مورد نشان دادن وضعیت واقعی سربازان آمریکایی در عراق هم غلوآمیز برخورد می‌کند، مخصوصاً که اکثر این سربازان حتی در همان سال‌ها، از افشار ضعیف و مستضعف جامعه آمریکا بوده‌اند و نه به خاطر آرمان‌های جاهطلبانه، که به خاطر مشکلات مالی و داشتن شغل، به ارتش پیوسته‌اند و عمیقاً به خاطر کارهایی که به آن مجبور شده‌اند و جنایاتی که دیده‌اند، از نظر روحی و جسمی آسیب دیده‌اند ولی سرباز مورد نظر فیلم یا همان جک، به هیچ وجه شبیه به این نوع از سربازان نیست، او بعد از تمام شدن دوره خدمتش، وقتی دوباره به کشور متدشش بر می‌گردد، بلافاصله تبدیل به همان جوان رمانتیک و دوست داشتنی قبلی می‌شود، بدون اینکه جنایت‌ها و خاطرات چند ماه گذشته، روح و روانش را به معنای واقعی کلمه، بهم نرساند. این تغییرات شخصیتی به قدری بزرگ است که گویی در زندگی جک نه جنگی بوده و نه اتفاق مهمی این وسط افتاده است!

در صحنه‌های انتهایی فیلم «پسران ابوغریب»، مخاطبین جک آرام را می‌بینند که در یک روز عادی و آفتابی، به فروشگاه لوازم خانگی می‌رود و ناگهان می‌بیند که عکس‌های شکنجه وحشیانه زندانیان در ابوغریب، که در قضا خودش هم در بیشان هست، تمام صفحه‌های تلویزیون‌ها را پر کرده است و او وحشت‌زده و معصومانه به مانیوتورها زل می‌زند!

این پایان سر هم بندی شده و بی‌معنا، در کنار فیلمنامه‌ای که تکلیفش با خودش مشخص نیست، باعث می‌شود تا فیلم لوک مورن، به شدت از نگاه مخاطبین پس بخورد و این نویسنده، کارگردان و بازیگر تازه کار، نتواند تصویری مورد قبول را به مخاطبین خود عرضه کند و شکستی واقعی را برای سازنده‌اش به ارمغان بیاورد.

هر وقت یک مدیر تغییر می‌کند، بیم و امیدهایی درباره آینده مسئولیتی که به عهده گرفته ایجاد می‌شود. از هفته قبل هم «حمید شاه‌آبادی» کار خودش را به‌عنوان معاون جدید سیما و درواقع رئیس تلویزیون، شروع کرد؛ درباره سیما، آنچه همه به آن اذعان دارند، نیاز به تغییر و تحول است: سیما امروز محتاج تغییراتی در جهت ارتقاء کیفیت و محتوای برنامه‌های تلویزیونی است. به همین مناسبت، از سه نفر از هنرمندی که سابقه‌ای طولانی در همکاری با سیما را دارند و به‌عنوان بازیگر و کارگردان در تولیدات تلویزیونی حضور داشته‌اند، سه سؤال را پرسیدیم: نظرشان دربارۀ انتصاب «حمید شاه‌آبادی» به‌عنوان معاون سیما چیست؟ چه انتظاراتی از معاون جدید سیما دارند؟ و پیشنهاداتشان برای ارتقای کیفیت برنامه‌های تلویزیون به شاه‌آبادی چیست؟

جواب‌های هوشنگ توکلی، اسماعیل سلطانپان و حسین سحرخیز به این پرسش‌ها را بخوانید:

تصویربروز-
ایجاد شرایط مناسب برای متخصصان
هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان در گفت‌وگو با کیهان در پاسخ به این سؤال که نظرش درباره مدیریت حمید شاه‌آبادی بر سیما چیست، گفت: من فکر می‌کنم که آقای شاه‌آبادی یکی از بهترین گزینه‌ها برای معاونت سیما بود. چراکه وی تخصصی است که ما او را به‌عنوان یک عنصر فرهنگی می‌شناسیم؛ چه در دورانی که معاونت هنری وزارت ارشاد را به‌عهده داشت و چه زمانی که به معاونت صدا رفت و مدیریت رادیو را عهده‌دار شد. نشان داد که شناخت خوبی نسبت به برنامه‌ریزی فرهنگی و برنامه‌سازی در رسانه دارد.

وی درباره انتظاراتش از معاون جدید سیما هم بیان کرد: طبیعی است که موانع بسیار زیادی سر راه ایشان قرار دارد، برای مثال، باید مدیران بخش‌های مختلف سیما را با توجهی کند یا تغییر دهد که این اقدامات زمان‌بر خواهد بود. اما ان‌شاه‌الله با کمک هنرمندان خیراندیش و اهـل فکر بتواند مقدماتی از تحول برای ارتقای فعالیت تلویزیون را نشان دهد.

کارگردان سریال «مدرس» همچنین در پاسخ به این پرسش که چه پیشنهاداتی برای شاه‌آبادی برای اعتلای عملکرد سیما دارد هم اظهار کرد: از دهه ۷۰ به بعد مسیر فیلم‌سازی در صداوسیما تغییر کرد و به سمت یک نوع تکنولوژی رفت که مربوط به حوزه سینما بود و نه تلویزیون. چراکه تلویزیون یک رسانه خاص است و ویژگی‌های عملی و کاربردی منحصر به خودش را دارد؛ تفکری که در دهه ۷۰ به‌وجود آمد و تا همین اواخر هم ادامه داشته که ما دوربین‌ها را بیرون می‌بریم و در لوکیشن‌های طبیعی کار می‌کنیم. هزینه‌های سنگینی را روی دست برنامه‌سازان گذاشتیم و همچنین بودجه صداوسیما را چندین برابر بالا برد اما کیفیت آثار را پایین آوردن من فکر می‌کنم اولین قدم این است که به همان شیوه برنامه‌سازی خاص

تلویزیونی بر گردیم. یعنی اگر نگاه برنامه‌سازی به سمت پلاتوها و استودیوها و سیستم‌های دیجیتال و ویدیویی برود، خواهیم دید که هم انبوه تولید خواهیم داشت و هم اینکه از این هرچ و مرج که در تولید آثار تلویزیونی در این سال‌ها به‌وجود آمده‌نجات می‌یابیم.

وی درباره سربال‌های تلویزیونی نیز توضیح داد: ما برنامه‌سازان خوبی در تلویزیون داریم اما بسیاری از آنها یا به‌کار گرفته نشده‌اند و یا نتوانسته‌اند با مدیرانی که طی دوره‌های قبل بر سیما بوده‌اند به زبان مشترکی برسند. در نتیجه یا منزوی شده و یا از صداوسیما دور شده‌اند و یا به کهنسالی رسیده‌اند! من فکر می‌کنم آقای شاه‌آبادی این مسائل را می‌داند؛ به محض اینکه این اندیشه برگردد که ما می‌توانیم سیما را دوباره زنده و به‌روزرسانی‌اش کنیم می‌توانیم مسیر سربال‌سازی را هم که الان در جاده خاکی افتاده است را هم به مسیر اصلی خودش برگردانیم. من

پیشنهادات هنرمندان باتجربه به معاون جدید سیما:

ایجاد شرایط مناسب برای متخصصان
هوشنگ توکلی، بازیگر و کارگردان در گفت‌وگو با کیهان در پاسخ به این سؤال که نظرش درباره مدیریت حمید شاه‌آبادی بر سیما چیست، گفت: من فکر می‌کنم که آقای شاه‌آبادی یکی از بهترین گزینه‌ها برای معاونت سیما بود. چراکه وی تخصصی است که ما او را به‌عنوان یک عنصر فرهنگی می‌شناسیم؛ چه در دورانی که معاونت هنری وزارت ارشاد را به‌عهده داشت و چه زمانی که به معاونت صدا رفت و مدیریت رادیو را عهده‌دار شد. نشان داد که شناخت خوبی نسبت به برنامه‌ریزی فرهنگی و برنامه‌سازی در رسانه دارد.

وی درباره انتظاراتش از معاون جدید سیما هم بیان کرد: طبیعی است که موانع بسیار زیادی سر راه ایشان قرار دارد، برای مثال، باید مدیران بخش‌های مختلف سیما را با توجهی کند یا تغییر دهد که این اقدامات زمان‌بر خواهد بود. اما ان‌شاه‌الله با کمک هنرمندان خیراندیش و اهـل فکر بتواند مقدماتی از تحول برای ارتقای فعالیت تلویزیون را نشان دهد.

کارگردان سریال «مدرس» همچنین در پاسخ به این پرسش که چه پیشنهاداتی برای شاه‌آبادی برای اعتلای عملکرد سیما دارد هم اظهار کرد: از دهه ۷۰ به بعد مسیر فیلم‌سازی در صداوسیما تغییر کرد و به سمت یک نوع تکنولوژی رفت که مربوط به حوزه سینما بود و نه تلویزیون. چراکه تلویزیون یک رسانه خاص است و ویژگی‌های عملی و کاربردی منحصر به خودش را دارد؛ تفکری که در دهه ۷۰ به‌وجود آمد و تا همین اواخر هم ادامه داشته که ما دوربین‌ها را بیرون می‌بریم و در لوکیشن‌های طبیعی کار می‌کنیم. هزینه‌های سنگینی را روی دست برنامه‌سازان گذاشتیم و همچنین بودجه صداوسیما را چندین برابر بالا برد اما کیفیت آثار را پایین آوردن من فکر می‌کنم اولین قدم این است که به همان شیوه برنامه‌سازی خاص

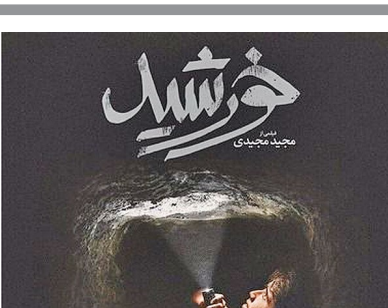
سهیل کریمی:

روابط دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی در شبکه‌های برون مرزی انعکاس یابد



مسیر روشنگری سیاست‌های استکباری آمریکا موفق‌تر می‌شویم. این به عهده شبکه‌هایی مثل شبکه‌های پرس تی وی است که واقعیت‌های موجود را تبیین کنند و جایات‌های آنها را نشان دهند. اینکه بایدن انتخاب شود یا ترامپ انتخاب شود، بیشتر در کشور خودشان کاربرد داخلی ایران، درباره تحلیل پرس تی وی از این موضوع گفت: همه ما می‌دانیم که سگ زرد برادر شغال است. چه جمهوری خواه چه دموکرات، فرقی نمی‌کند. حتی می‌یادداشتی هم در این باره نوشتیم و منتشر کردیم. چه فیل چه الاغ. جفت شان یکی است. بیشتر کسی زیر این پرچم پرستاره دارند خدمت می‌کنند. روبرگرد جو بایدن با ترامپ در برابر جمهوری اسلامی ایران یکی است، هر چند شعارهای انتخاباتی متفاوتی دارند.

وی در همین باره افزود: اصل و بنیان این تفکر در کاندیداها یکی است آن هم اینکه بتوانند ایالات متحده آمریکا را نگه دارند. هر چه قدر این ماجرا روشنگری شود، هر چه قدر گفته شود که جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در دوره‌های خودشان این جنایات را داشته اند، که حالا فقط مقداری شیبش بالا و پایین می‌شود ولی اصل موضوع زیاد تفاوتی ندارد، ما به هدفمان در



فیلم در عین واقع‌گرایی و وفاداری به رئالیسم سبک، به کودکان و نـقال جهان کودکانه با واقعیت‌های سخت طبیعی و اجتماعی پرداخته و موضوع کودکان کار را تم اصلی خود قرار داده است.

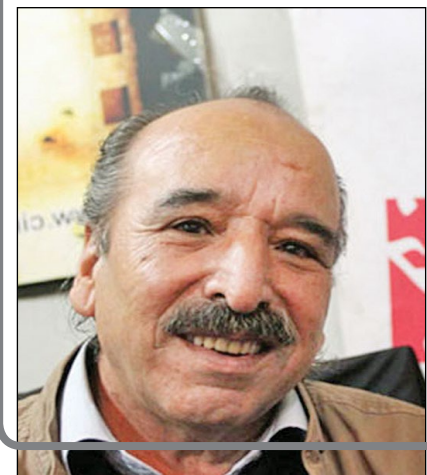


مهدی قلیه (بازیگر) | ایراهیم خاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرهاد سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (بویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)



پیشنهادات هنرمندان باتجربه به معاون جدید سیما:

ارتقاء کیفیت برنامه‌های تلویزیون نیازمند توجه به نیروهای متعهد و متخصص است



مدیران در هر جایی که هستند همیشه باید قیامت را در نظر داشته باشند و هر کاری که می‌خواهند انجام دهند به حساب و کتاب آن دنیا فکر کنند. دوم اینکه مسئله نظارت کیفی در تولید آثار را جدی بگیرند. همیشه در تیتراژ سربال‌ها عنوان‌هایی مثل «مشاور» و «ناظر کیفی» دیده می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد که این عناوین فقط اسمی هستند و تأثیر چندانی بر کیفیت آثار ندارند، وگرنه اغلب سربال‌های ما تا این حد کیفیت پایینی نداشتند. خود من مت‌هاست که به‌خاطر همین کیفیت پایین، نمی‌توانم اکثر سربال‌های تلویزیون را دنبال کنم.



سیما برطرف شود.

توجه به پیشکسوت‌ها و نیروهای توانمند
اسماعیل سلطانپان، بازیگر پیشکسوت نیز در گفت‌وگو با کیهان درباره انتصاب حمید شاه‌آبادی به‌عنوان معاون سیما گفت: بنده آقای شاه‌آبادی را می‌شناسم، ایشان فرد فهیم و فرهیخته و درستکاری است.

وی درباره توقعات خودش از معاون جدید سیما بیان کرد: اولین توقع من از شاه‌آبادی این است که به پیشکسوتان بیش‌تر توجه کنند؛ چرا من در این سن و سال و با این سابقه کار در سینما و تلویزیون، باید در

صفحه ۸

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹

۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۵۹۰



جواد اردکانی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | مجید مجیدی (فیلمساز) | هادی محمدیان (بویانما) | فرهاد سلحشور (فیلمساز) | ایراهیم خاتمی‌کیا (فیلمساز) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | جواد اردکانی (فیلمساز)

سلطانپان تصریح کرد: تولید برنامه خوب، نیازمند عوامل حرفه‌ای و توانمند است؛ از نویسنده و کارگردان گرفته تا طراح صحنه و طراح لباس و... باید رابطه بازی‌ها و استفاده از افراد به صرف اینکه آشنای ما هستند کنار گذاشته شود و به توانمندی‌ها توجه شود.

افزایش نظارت بر تولید سریال‌ها

حسین سحرخیز، بازیگر و کارگردان نیز در گفت‌وگو با کیهان درباره انتصاب حمید شاه‌آبادی به‌عنوان معاون سیما گفت: شاه‌آبادی مدتی در وزارت ارشاد و به‌عنوان معاون هنری فعالیت می‌کرد؛ با شناختی که از این سابقه واردم، به‌نظم می‌رسد که شاه‌آبادی از مدیران فعال است و وقتی وارد حیطه‌ای می‌شود سعی می‌کند ناواری‌هایی داشته باشد. یادم می‌آید در آن دوران که در معاونت هنری بود سعی می‌کرد تا مشکلات اهالی تئاتر را حل کند و تمام تلاشش براین بود که شرایط خوبی را برای بچه‌های تئاتر ایجاد کند.

بازیگر «قلامه‌های طلا» درباره توقعاتش از شاه‌آبادی در مقام معاون سیما هم توضیح داد: من از ایشان انتظار دارم که شرایطی را ایجاد کند که سربال‌های جانبی و باکیفیت بهتری روی آنتن برود و شاهد هرگونه نمایشی روی آنتن تلویزیون نباشیم؛ چون برخی از برنامه‌های تلویزیون باعث می‌شوند برخی از مردم، تلویزیون را رها کنند و به ماهواره گرایش پیدا کنند. درمقابل، وقتی سربال جانبی درحال پخش است آثار نشان می‌دهد که تعدادمخاطبان افزایش می‌یابد ومردم به سمت ماهواره نمی‌روند که این حاصل کارهای موفق و حرفه‌ای بوده؛ اما متأسفانه مدتی است که شاهدیم یک مقدار درنظارت بر سربال‌هایی که روی آنتن می‌روند سهل‌انگاری و بی‌قنّی می‌شود؛ درنتیجه شاهد سربال‌هایی هستیم که از نظر کارگردانی و بازیگری و به‌طور کلی از لحاظ کیفی در حد تلویزیون نیستند؛ من انتظارم از آقای شاه‌آبادی این است که با اینکه شرایط اقتصادی بسیار سخت است اما در هر صورت تماشای تلویزیون نیاز به خوراک مناسب دارد و باید کیفیت سربال‌ها و آثار نمایشی تلویزیون بالاتر برود.

سحرخیز همچنین یک پیشنهاد هم به معاون جدید سیما دارد که درباره آن بیان کرد: پیشنهادم این است که تله تئاترهایی که در گذشته از تلویزیون پخش می‌شد و مدتی است که قطع شده دوباره روی آنتن بروند، به‌ویژه دراین شرایط کرونایی که وضعیت تئاتر نابسامان است و راه‌اندازی مجدد پخش تله تئاترها باعث خواهد شد مردم از طریق تلویزیون تا تاتر در تعامل باشند؛ البته من متعدهم اگر قرار است برای مردم ایران تله تئاتر بکار کنیم، بهتر است کمتر به سمت کارهای خارجی برویم و بیشتر از کارهای ایرانی استفاده‌های ایرانی کاربشود. اگر سراغ نمایشنامه‌های خارجی برویم، تله تئاترهای ما برای مخاطب روستایی و کشاورز و کارگر، قابل درک نخواهد بود و در نتیجه طیف وسیعی از مخاطب‌ها با این آثار ارتباط برقرار نمی‌کنند و تله تئاترهای ما باز هم با شکست روبرو خواهد شد.

پرس تی وی بر اطلاع‌رسانی استوار است، گفت: همه اینها منوط بر آن است که بودجه خوبی برای این شبکه‌ها در نظر گرفته شود، آیا بودجه بی‌بی‌سی که یک شبکه دولتی است با پرس تی وی که آن هم یک شبکه دولتی با حکومتی است، قابل مقایسه است؟ یا با شبکه الجزیره که گرچه اعلام استقلال می‌کند ولی به هر حال برای حکومت قطر است. اینها اصلا قابل مقایسه نیستند. ما باید شبکه پرس تی وی را بسیار گسترده‌تر از این چیزی که هست داشته باشیم ولی به ناچار محدود به همین برنامه‌هایی که داریم آن هم با این شرایط و با این بودجه‌هایی که به آن اختصاص داده می‌شود، کار می‌کند.

این فعال رسانه‌ای با اشاره به اینکه شبکه‌های برون مرزی رسانه ملی تریبون نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و همه فراجتاحی عمل می‌کنند، درباره نقش حمایتی دولت و مجلس از این شبکه‌ها گفت: با توجه به فعالیت رسانه‌ای که دارم و مراداتی که با برخی از افراد در خارج از کشور دارم، آن چیزی که ما از آن به اسم مرادات فرهنگی یا صدور انقلاب نام می‌بریم، طبیعتاً از طریق همین مسیرهای فرهنگی و رسانه‌ای اتفاق می‌افتد نه سازمان فرهنگ و ارتباطات و به اسم رایزن فرهنگی و حتی سفارت خانه‌های ما. آنها چه بسا که مانع هم شده‌اند، به طور مثال برای من رسانه‌ای که به شکل مستقل کار رسانه‌ای می‌کنم، موانع قانونی زیادی ایجاد می‌کنند.حال این جاقی و باور روی دوش من است و این اتفاق می‌افتد، طبیعتاً من باید از شبکه‌های برون مرزی صداوسیما توقع داشته باشم.

وی در پایان خاطر نشان کرد: صدور انقلاب به عهده شبکه‌های برون مرزی است، نشان دادن فرهنگ انقلاب و معرفی فرهنگ انقلاب به عهده شبکه‌های برون مرزی است و این مهم توسط دولت باید از طریق تزریق بودجه یا از طریق مجلس که به هر حال تصوب بودجه را به عهده‌دار، عملیاتی شود. وقتی این‌ها اهمیت ندهند یا شبکه‌های برون مرزی صداوسیما محلی از اعراب برای این‌ها نداشته باشد، طبیعتاً ما اصل صدور انقلاب را باید از بین رفته بدانیم.

مجدیدی پیش از این هم درک بالای هنری و نگاه متعهد و انسان‌دوستانه خود را به‌ویژه نسبت به کودکان که نخستین قربانیان مصائب سیاسی و اقتصادی و بی‌اندهای اجتماعی، آن در جمله خستونت و درگیری‌های ناشن داده بود. چنان که فیلم «بچه‌های آسمان»، نخستین فیلمی از ایران بود که در سال ۱۹۹۹ در فهرست نهایی نامزدهای دریافت بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان اسکار قرار گرفت و دیگر فیلم‌های او نیز مانند «رنگ خدا»، «دیدمجنون» و «آواز تیشک‌ها» بارها در جشنواره‌های داخلی و خارجی درخشیده و ماندار شده‌اند.

اما این‌بار خورشید مجیدی گویا از نظر ساخت، روایت، بازیگری و دیگر از فیلمسازان دیگر فیلم او بالاتر است.دانه که چنانکه مستند سرشناس هالیوود -پوپرتز- دیورا بانگ- در این‌باره نوشته است: «مجدید مجیدی تا به حال چند تا از فیلم‌های بصری جذاب و عاطفی و شوا رنگیز در مورد، مشکلات، استثمار و سوءاستفاده از کودکان محروم در دنیا سینما ساخته است و حالا خورشید یکی از بهترین کارهای او است.»

می‌توان از طریق آموزش و قدری مهربانی، آنها را تبدیل به سرمایه‌های حقیقی جامعه نمود.

مجدیدی در نشست خبری فیلم خورشید در جشنواره ونیز (۱۶ شهپور)، با اشاره به بحران‌ها و درگیری‌های منطقه خاورمیانه، معضلات اجتماعی، از جمله معضل کودکان کار در کشورهای این منطقه را جدی‌تر از سایر مناطق جهان عنوان کرد و بخش عمده‌ای از این معضلات را ناشی از حضور بیگانگان در این منطقه و آتش‌افروزی‌های آنان دانست.

مجدیدی همچنین درباره دلیل بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی در ایران افزود: «ایران چهل سال است که کشور ما را تحریم کرده است. همین کار که من اینجا ننشسته‌ام و در این شرایط شیوع کرونا، یکی از معضلات اساسی در کشور ما تأمین دارو است و متأسفانه در این شرایط که بسیار هم سخت است، دارو وارد ایران نمی‌شود. چون آمریکا این تحریم غیرانسانی را علیه ایران اعمال کرده است، در واقع چهل سال است که مردم ایران در این شرایط سخت زندگی می‌کنند.»

مجدیدی همچنین درباره دلیل بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی در ایران افزود: «ایران چهل سال است که کشور ما را تحریم کرده است. همین کار که من اینجا ننشسته‌ام و در این شرایط شیوع کرونا، یکی از معضلات اساسی در کشور ما تأمین دارو است و متأسفانه در این شرایط که بسیار هم سخت است، دارو وارد ایران نمی‌شود. چون آمریکا این تحریم غیرانسانی را علیه ایران اعمال کرده است، در واقع چهل سال است که مردم ایران در این شرایط سخت زندگی می‌کنند.»